

### متن پرسش

با عرض سلام و خدا قوت خدمت استاد عزیز! و با عرض معذرت به جهت وقتی که از شما می‌گیرم! سوال این حقیر در مورد نسل امروز است، این حقیر یک طلبه هستم و سخت در گیر مسایل و مشکلات درونی اما از آن بیشتر در گیر و داغون از وضعیت ظاهری جامعه بخصوص نسل جوان. خدا می‌داند به جهت اصلی انقلاب و نظام ایمان دارم ولی به هر حال ما در مقابل این وضعیت موظفیم خدا می‌داند که از دیدن و شنیدن این وضعیت حجاب و روابط در جامعه چه فشاری به روح و قلب این حقیر می‌آید از طرفی شدیداً احساس عجز در مقابل این افراد و نسل می‌کنم انگار که فرسنگها باهم فاصله داریم که حتی از وضعیت ظاهری ماهم متنفر و گریزانند از آن جایی که گاهی با نوجوانان در ارتباط حس می‌کنم از هم بیگانه ایم و هیچ رغبتی به رابطه برقرار کردن با ما و شنیدن حرف‌های ما را ندارند. وقتی از روابط ناسالم و خودکشی و فرار حرف می‌زنند گوشه‌ای شنیدن حرف دیگری ندارند. من حتی با بچه برادر خودم هم مشکل دارم و از هم دوریم چه برسد به بقیه...! اعجازانه از شما تقاضا می‌کنم که بفرمایید واقعا باید چه کرد فقط افسوس خورد و تماشا کرد؟ چه وظیفه‌ای داریم و چگونه باید عملی کرد؟ چطور به این نسل به خصوص این افراد نزدیک شویم؟ اصلاً باید نزدیک شد یا فقط از دور مرتبط شویم؟ چطور باید حق را شناخت و معرفی کرد که جان آنها هم همراه شود؟ غصه و فشاری که بر انسان هجوم می‌آورد خوب است یا بد؟ چگونه وقتی ناگزیر از رفتن در جامعه هستیم با این وضع برخورد کنیم یا فقط غصه بخوریم و داغون شویم؟ با چنین فشاری به نظر شما این حقیر کار تبلیغی انجام بدهم یا نه؟

### متن پاسخ

مه‌تعالی: سلام علیکم: ۱- وجه دیگر همین جوانان را در اعتکاف‌ها می‌توان دید ۲- باید با زبان خودشان با آنها رفاقت کرد بدون آن‌که کار آن‌ها را تأیید کنید ۳- به مرور بعد از رفاقت با آن‌ها صاحب تجربه می‌شوید که از کجا شروع کنید ۴- اگر آماده‌ی یک بحث علمی بودند روش کتاب «جوان و انتخاب بزرگ» بد نیست. موفق باشید